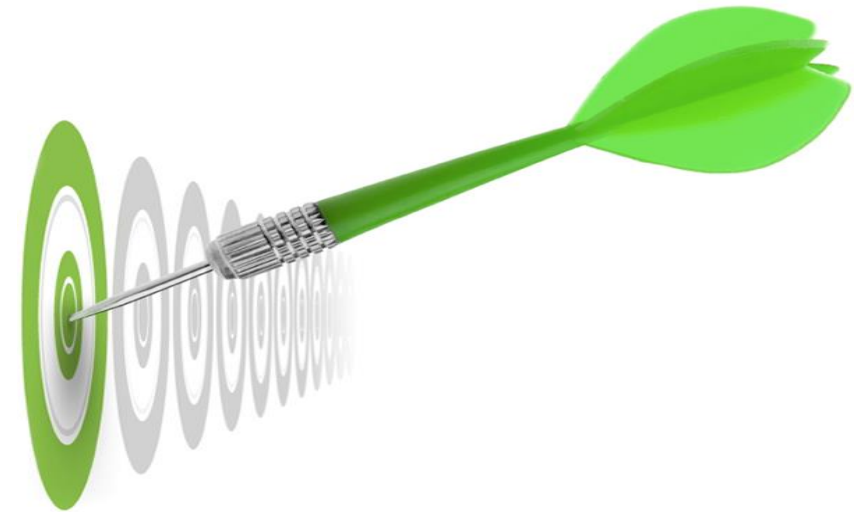


مدیریت استراتژیک در زندگی فردی



تهیه کننده: سید رضا علمدار

بهار ۹۶

عاقبت اندیشی پیش از شروع کار، تو را از پشیمانی در امان نگه می دارد

انسان در شروع قرن بیست و یکم در دنیایی قرار گرفته است که کاملاً با دنیای دیروز متفاوت است. دنیایی که گذشته چراغ راه آینده و ثبات نسبی بر رویدادهای محیطی حاکم بود. دنیایی که تغییرات ناآشنا و گسسته، استثنا محسوب می گردید و چالش های محیطی تا حدود زیادی شناخته شده بود؛ اما استمرار آهنگ فزاینده تغییر و تحولات در دهه های اخیر و در حوزه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، تکنولوژی، اقتصادی و... شرایط را به کلی دگرگون نموده، انسان ها را با چالش های نوینی روبه رو ساخته است. شرایطی که عدم اطمینان، ویژگی اصلی آن است و پیامدهای زیر را برای افراد در زندگی به همراه دارد:

- دشواری فزاینده در پیش بینی تغییرات؛ به گونه ای که قبل از رخ دادن رویدادها نمی توان پاسخ مناسبی برای آنها برنامه ریزی نمود.

- نیاز به سرعت بیشتر برای اجرای پاسخ به مشکلات زندگی.

- نیاز به انعطاف پذیری و مواجهه به موقع با غافل گیری هایی که قابل پیش بینی نیست.

روشن است که افراد در این وضعیت به **ابزارها** و **مفاهیم جدیدی** نیازمندند؛ ابزارها و مفاهیمی که امکان عکس العمل را برای آنان در برخورد با رویدادهای ناآشنا و ناگهانی فراهم می سازد؛ ابزارهایی که به انسان در شناسایی و پیش بینی عوامل موثر بر بقاء و رشد خود کمک کرده، امکان بررسی دامنه وسیع تری از راه حل ها را برای او فراهم می نماید.

داشتن یک برنامه ریزی استراتژیک در زندگی، توانایی فرد را برای تطبیق با یک محیط پویا تضمین می نماید .

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«چشم دل انسان خردمند، پایان کارش را می بیند»

و باز می فرماید: «هر که از پیش به استقبال رود، بینا می شود و هر که پشت کند، سرگردان می ماند».

گر همی خواهی سلامت از ضرر

چشم ز اوّل بند و پایان را نگر

برای موفقیت در جهان امروز، داشتن استراتژی در حرکت به سمت مقصد، امری ضروری و حیاتی است.

تعریف استراتژی

از هر کسی که درباره استراتژی سؤال کنید، خواهد گفت: استراتژی **یک نقشه** است؛ یعنی نوعی اقدام آگاهانه و مورد نظر در یک مسیر؛ یک رهنمود (یا مجموعه ای از آنها) برای برخورد با یک وضعیت. کودک برای عبور از یک نرده، استراتژی دارد و هر شرکت نیز برای تسلط بر بازار، از استراتژی بهره می برد. بر مبنای این تعریف، استراتژی ها دو ویژگی اساسی دارند؛ یکی آن که پیش از به کار بردنشان ایجاد می شوند و دوم آن که آگاهانه و هدف دار به وجود می آیند و اغلب به طور روشن و در قالب مدارک رسمی و به نام طرح ها بیان می شوند و گاهی نیز رسماً بیان نمی شوند؛ ولی به همان روشنی در ذهن افراد وجود دارند. از نظر «دراکر»، استراتژی «اقدام هدف دار» است؛ یعنی «تصویری پیش از اقدام»

تعریف مدیریت استراتژیک در زندگی

مدیریت استراتژیک را می توان بدین گونه تعریف کرد: **هنر** و **علم تدوین**، **احرا** و **ارزبایی** تصمیمات؛ وظیفه ای چندگانه که انسان را قادر می سازد تا به هدف های بلند مدت خود در زندگی دست یابد. به عبارت دیگر مدیر استراتژیک در زندگی، کسی است که دارای نگرش استراتژیک باشد و قادر باشد با یک استراتژی مطلوب به خواسته های خود جامه عمل بپوشاند.

با توجه به نکات فوق، مدیریت استراتژیک در زندگی عبارتست از: مجموعه تصمیمات و فعالیت هایی که فرد برای دست یابی به اهداف بلند مدت در زندگی خود انجام می دهد.

مزایای مدیریت استراتژیک در زندگی

مدیریت استراتژیک در زندگی به انسان این امکان را می دهد که به شیوه ای خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن به آینده خود، به صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه مدیریت باعث می شود که فرد، دارای ابتکار عمل باشد و فعالیت هایش به گونه ای درآید که اعمال نفوذ نماید (نه این که تنها در برابر کنش ها، واکنش نشان دهد) و بدین گونه سرنوشت خود را رقم بزند و آینده را تحت کنترل در آورد. در روزگار تغییر، ما می توانیم و باید که مسئول سرنوشت خویش باشیم. همچنین از دیگر مزایای مدیریت استراتژیک در زندگی، می توان به عوامل زیر اشاره نمود:

- احتمال رسیدن به هدف را بیشتر می کند.

- تمرکز بر روی اهداف ایجاد می کند.

- کاهش اضطراب و فشارهای روحی در محیط زندگی است.

- به کار و فعالیت ،معنا و مفهوم می بخشد.

- اعتماد به نفس را در مدیریت زندگی افزایش می دهد.

فرایند برنامه ریزی استراتژیک در زندگی

مرحله اول: تدوین مأموریت یا بیانیه رسالت و چشم انداز

رسالت یا مأموریت، نموداری است که مسیر زندگی آینده را مشخص می نماید. رسالت در واقع پرسشی است که پیش روی همه افراد وجود دارد؛ یعنی ما چه کاری را می خواهیم انجام دهیم. یک رسالت، بیان گر ارزش ها و اولویت های یک فرد در زندگی است و به زبان ساده، مأموریت عبارت است از ماهیت و مفهوم فعالیت های آینده. آن چه را که انسان قصد دارد در آینده انجام دهد، باید مشخص سازد و بداند برای تحقق چه چیزی تلاش می کند. تعیین رسالت یا مأموریت اصلی در زندگی، می تواند مقدار قابل توجهی از تضادهای غیر ضروری در فرد را از بین ببرد و به بهره وری فعالیت ها کمک کند و این امر ممکن نیست؛ مگر با شناخت مسائل اصلی و مهم در زندگی. از این رو یکی از اولین قدم های تفکر استراتژیک، شناسایی دقیق مسائل اساسی و مهم در هر وضعیت می باشد. افراد به طور طبیعی در رویارویی با مسائل با به کارگیری روش های خاص خود، کوشش هایشان را صرف یافتن موضوعات اساسی موجود در آن می کنند. برخی ممکن است این گونه بیندیشند که راه حل های مختلف برای انجام این خواسته، تفاوتی نداشته، کامیابی در شناسایی موضوعات مورد نظر بیشتر به شانس و اقبال فرد بستگی دارد؛ اما به نظر می رسد که این موضوع به شانس ارتباط چندانی ندارد؛ بلکه مقوله ای است مرتبط با دیدگاه ها و روش های انتخاب شده در حل مشکلات. بهتر است که کار را با روش مند کردن مسئله به نحوی که یافتن راه حل آن تسهیل شود، آغاز کنیم.

اشخاصی که از نعمت نبوغ ذاتی دریافتن مطالب اساسی بهره مند هستند، بسیار نادرند. خوشبختانه برای افراد دیگری که از چنین نبوغی بی بهره اند، روش هایی برای حل مشکل وجود دارد.

مرحله دوم: ارزیابی خود (نقاط قوت و ضعف)

به منظور اداره اثر بخش زندگی، باید همه عواملی را که بر توانایی فرد در مسیر رشد و موفقیت تاثیر دارند، مورد توجه قرار داد. نقاط قوت و ضعف داخلی ۹ در زمره فعالیت های قابل کنترلی هستند که انسان آنها را به شیوه ای بسیار عالی یا بسیار ضعیف انجام می دهد. آنها در سایه فعالیت های مدیریتی به وجود می آیند. یکی از فعالیت های اصلی و ضروری مدیریت استراتژیک، این است که نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی و آنها را ارزیابی کنید.

بدون شناخت نقاط ضعف و قوت، حرکت استراتژیک میسر نیست. با مشورت با دوستان و بررسی عمل کرد خود در زندگی، نقاط ضعف و قوت خود را دقیقاً مشخص نمایید.

مرحله سوم: شناخت ویژگی متمایز یا ویژگی منحصر به فرد

هر فرد نسبت به دیگران دارای نقاط ضعف و نقاط قوتی است. شناخت نقاط ضعف و نقاط قوت و تمرکز بر نقاط قوت، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت در زندگی است .

– آیا از سطح هوش بالاتری برخوردار هستید؟

– آیا دارای منابع مالی منحصر به فرد هستید؟

– آیا در سختی ها قدرت تحمل بیشتری نسبت به دیگران دارید؟

– آیا قدرت دست رسی بهتر و سریع تر به منابع مورد نظر، نسبت به دیگران دارید؟

– آیا از حمایت دیگران برخوردار هستید؟

– آیا سخت کوش هستید؟

مرحله چهارم: ارزیابی محیط خارجی (فرصت ها و تهدیدها)

انسان باید بتواند فرصت ها و تهدیدها را به خوبی شناسایی و تعیین کند.

مطالعه محیط خارجی و ارزیابی آن به این دلیل انجام می پذیرد که ما از فضایی آگاهی یابیم که می خواهیم در آن تلاش کنیم. اگر محیط ثابت بود، موضوع تأثیرات محیطی چندان مهم نبود؛ اما امروزه تغییر به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر تلقی می شود و به همین دلیل شناخت عوامل تاثیرگذار خارجی بسیار مهم است.

هدف اصلی در این مرحله، شناخت فرصت ها و تهدیدهاست. هر موقعیتی که به حرکت و پیشرفت ما کمک کند، فرصت نامیده می شود و اگر مانع ایجاد کند، باید آن را تهدید نام نهاد.

مقصود از فرصت ها و تهدیدهای خارجی، رویدادها و روندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بوم شناسی، محیطی، سیاسی، قانونی، دولتی، فن آوری و رقابتی است که می توانند به میزان زیادی در آینده به فرد منفعت یا زیان برسانند. فرصت ها و تهدیدها به میزان زیادی خارج از کنترل یک فرد است؛ از این رو از واژه خارجی استفاده می کنند.

اصل اساسی مدیریت استراتژیک زندگی این است که انسان باید برای بهره جستن از فرصت های خارجی و پرهیز از اثرات ناشی از تهدیدهای خارجی یا کاهش دادن آنها، درصدد تدوین استراتژی هایی برآید و به این دلیل، شناسایی، نظارت و ارزیابی فرصت ها و تهدیدهای خارجی می توانند موفقیت انسان را تضمین نمایند.

مشورت با خبرگان و اهل نظر می تواند در این قسمت به شما کمک نماید.

مرحله پنجم: تدوین هدف های بلندمدت

کشتی ای که نمی داند به کجا می خواهد برود، با هر بادی که بوزد، موافق است .

هدف، نتایج مطلوبی است که ما در انتظار آن هستیم که تقریبا شناخت و تعیین آن بسیار مشکل است. هر هدف، خود وسیله ای برای رسیدن به یک هدف بالاتر است.

هدف های بلند مدت را می توان به صورت نتیجه های خاصی که انسان در تلاش رسیدن به آنهاست، تعریف کرد .مقصود از دوره بلندمدت، دوره ای است که بیش از

یک سال باشد. از این جهت هدف ها برای موفقیت انسان لازم و ضروری هستند که تعیین کننده مسیر حرکت انسان می باشند. آنها به انسان کمک می کنند تا ارزیابی

ها را انجام دهد، هم افزایی کند، اولویت ها را تعیین نماید، امور راهمانگ کند و برای برنامه ریزی، سازماندهی و ایجاد انگیزه در خود به شیوه ای اثر بخش عمل نماید.

هدف های بلندمدت می توانند چالش گر، قابل سنجش، با ثبات، معقول و روشن باشند.

مرحله ششم: تعیین هدف های سالانه

هدف های سالانه هدف های کوتاه مدت هستند که فرد برای رسیدن به هدف های بلند مدت باید به آنها دست یابد. هدف های سالانه، مانند هدف های بلند مدت، باید قابل سنجش، به صورت کمی، چالش گر، واقعی، سازگار با سایر هدف ها و اولویت بندی شده باشند. با توجه به هر هدف بلند مدت، باید مجموعه ای از هدف های سالانه وجود داشته باشند.

ویژگی های اهداف

- هدف باید دقیق، روشن و بدون ابهام باشد (کلی و عام نباشد)
- هدف باید چالشی باشد (یعنی نه سهل الوصول باشد و نه دست نیافتنی)
- هدف باید متناسب با توانایی های فرد تعیین شود.

مرحله هفتم: تعیین استراتژی مطلوب

استراتژی ها ابزاری هستند که انسان می تواند بدان وسیله به هدف های بلند مدت خود دست یابد. استراتژی های فرد می توانند به صورت گسترش دادن فعالیت ، تنوع بخشیدن به فعالیت ها و یادگیری یک فعالیت باشند.

مرحله هشتم: تعیین سیاست حرکت

سیاست ابزاری است که به وسیله آن می توان به هدف های سالانه دست یافت. مقصود از سیاست، رهنمودها، مقررات و رویه هایی است که انسان برای دست یابی به هدف های اعلان شده رعایت می کند؛ مانند ایجاد نظم در کار، اولویت کار بر تفریح، ارتباط با دیگران در انجام کار، انجام همزمان تحصیل ، کار و ...

عواملی که مدیریت استراتژیک در زندگی را با شکست مواجه می کند، عبارتند از:

– عدم دقت در پیش بینی برنامه؛

در برنامه ریزی استراتژیک برای زندگی، جمع آوری اطلاعات درست و دقیق بسیار مهم است. اطلاعات ناقص و غلط، منجر به شکست برنامه خواهد شد.

– وابستگی بیش از حد برنامه ها به یکدیگر؛

این امر باعث می شود که اگر یک برنامه، یا یک مرحله از برنامه شکست بخورد، بقیه برنامه ها نیز با شکست مواجه می شود.

– مردد بودن در اجرای برنامه مصوّب؛

برنامه ریزی دو قسمت دارد؛ قسمت فکری و قسمت اجرا و در اجرا نباید مردّد بود.

– عدم انعطاف در برنامه ریزی؛

در برنامه ریزی یک اصل وجود دارد که آن ثبات در عین انعطاف است؛ یعنی در خود هدف ثبات داریم؛ اما در راه رسیدن به آن (شیوه کار) باید انعطاف داشته باشیم.

– تضاد در برنامه؛

قسمت های مختلف یک برنامه نباید با هم در تناقض باشند.

کارت اهداف زندگی فردی برای رسیدن چشم انداز تعریف شده ۳ ساله

اهداف کلان	برنامه ها	هدف سال اول	هدف سال دوم	هدف سال سوم	وضعیت کنونی	اقدام اصلاحی
رفاهی						
درآمدی						
مذهبی						
دانشی						
..						
..						
..						

چشم انداز
۳ ساله